

فرمان مهم فتحعلیشاه

بسم الله تعالى شأنه العزيز

الملك الله تعالى حکم همایون شد که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه فضایل و کمالات دستگاه ارادت و عقیدت اکتناه نتیجه الفضلاء العظام شیخ شرف الدین بعموم توجهات پادشاهی مقتخر و مباهی بوده بدانند که قبل از این بمقتضای مراسم مرحمت در رعیت پروری عالیجاه مقرب بحضرت العلیه آقا محمد حسن پیشخدمت سرکار اقدس را بجهت اطلاع از اوضاع مملکت و آگاهی از احوال رعیت از دربار خلافت مأمور و روانه فرموده بودیم در این وقت مشارالیه معاودت و شرف اندوز حضور مهر آفتاب معروض مقربان بارگاه خلافت داشت که بعلت غلاء غلات و زیادتی تسعیرات پریشانی و اغتشاش در احوال بعضی رعایا و ضعفاء روی داده و فقرا و ملهوفین آنجا قرین تنگی و عسرت میباشند این معنی بر رأی اشرف بغایت گران آمده اولاً مکنون خاطر اشرف چنین افتاد که بجهت ترفیه حال رعایا امر اشرف نفاذ یابد که شتران و قاطران سرکاری را از دار الخلافه تهران و دیگر ولایات عراق بارگیری غلات نموده حمل و نقل بفارس نمایند از اینکه رفع پریشانی و اختلال اوضاع اهالی آن صفحه در این اوقات بطول می انجماید و در این اقرب زمان رفع این معنی صورت نمیگرفت از قرار فرمان جهانمطاع جداگانه بافتخار فروزان کو کب سپهر خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهر سلطنت و تاجداری خجسته فرزند مسعود نامدار فرمانفرما امر و مقرر فرموده ایم که بالعجاله قدغن نماید که آنچه انبار در شهر شیراز و سایر ولایات فارس میباشند هر قدر جنس در آنها باشد بیرون آورده در بازارها و کوچها بقیمتی مناسب بفروشند که رفع اینگونه عسرت گردیده آسایش و رفاهی بجهت فقرا و ضعفاء حاصل شود اهالی

فارس از همه ممالک ایران در چاگری و خدمت کاری نواب همایون باسابق و اغلب از مردم آنجا تربیت یافته مکارم پادشاهی و از بدایت امر که نواب همایون ما بنفس نفیس متکفل فرمانفرمائی آنجا بودیم اوقاتها برفع خرابیهای آنجا مصروف داشته و عنایات شاهانه را در رعایت جانب رعایا و قاطبین آنجا عموماً فرو نگذاشته ایم فارس ولایتی است که نواب همایون ما از سایر ولایات اختصاص داده و در حقیقت خانه و مسکن مألوف ماست امروز که بعون عنایت آگهی انوار رأفت و زحمت آفتاب این دولت قاهره بر اقطار عالم تافته و جمله اهالی ایران در سایه این شوکت باهره کمال آرامش و آسایش یافته از چه جای آن است که اکنون اهالی فارس قرین عسرت و پریشانی و شکستگی باشند استماع این اوضاع بمرتبہ بر خاطر اشرف گران آمد که همان آن عزیمت نهضت فرمودیم که خود بنفس همایون سرکشی باهالی و رعایای آنجا فرموده تلافی شکستگی های قاطبین آنجا را تدارک می شایسته فرمائیم از آنجا که دهه عاشورا در پیش و در وظایف تعزیت تعطیلی میرفت این ده روزه حرکت همایون را بتعویق انداخته دل آسانی اهالی و رعایای آنجا را باصدا فرامین جداگانه امر رفت و انشاء الله الودود بعد از انقضای عاشورا بی تعطیل و تعویق موکب اشرف بجانب فارس نهضت آرا و بنفس همایون که مایه آرامش بلاد و آسایش امصار است که سزاوار شیمه کریمه رعیت پروری و مرحمت گستری است عموم اهالی آنجا را مشمول عنایات پادشاهی خواهیم ساخت علی العجاله بخجسته فرزند نامدار فرمانفرما امر فرموده ایم که لازمه اهتمام در رفاه احوال رعایا و اهالی آنجا بعمل آورده بھر نوعی هست رفع این تنگی و عسرتی که روی داده است کرده باشد تا کنون کیفیت شکستگی و پریشانی احوال اهالی آنجا بعرض اقدس نرسیده بود انشاء الله المجیب عنقریب ملوک اقدس را ساحت آرای مملکت فارس و ابواب مراحم پادشاهی را بر چهره آمال خود باز خواهد دید باید آن عالیجاه در هر باب مستظهر باشفاق فزون از قیاس شاهانه بود مترصد وصول موکب

همایون باشد و بهر يك از فضلاء و علماء و اعزه و اشراف و عموم ضعفاء و رعایای
آنجا ابلاغ و خاطر نشان و حالی نمود آنها را مستظهر برفع غائله غلاء
مستبشر سازد که هر يك از روی کمال اطمینان بدعا گوئی ذات همایون و
بامر کاسبی و رعیتی خود مشغول باشند و آن عالیجاه در هر باب اعطاف پادشاهی
را تمایل احوال خود دانسته از روی کمال اطمینان بتحصیل علوم اجتهاد
نموده بجهت ذات همایون دعای خیر حاصل نماید و مستدعیاتیکه داشته باشد
عرض مقرون داند و در عهده شناسد. تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۸